

1397/12/05

## بیانات در ابتدای درس خارج فقه درباره نشاط در کارها

حضرت آیت الله خامنه‌ای صبح یکشنبه (۱۳۹۷/۱۲/۵) در ابتدای جلسه‌ی درس خارج فقه، به شرح حدیثی از حضرت امام صادق علیه السلام درباره‌ی «عاقبت اندیشی در امور و لزوم نشاط در کارها» پرداختند. ایشان در جریان سخنان‌شان با استناد به این روایت به مسئولان توصیه کردند «بی‌حوصلگی» و «ناامیدی» را از خود دور کنند و بدانند انقلاب اسلامی به پیش خواهد رفت. پایگاه اطلاع‌رسانی **KHAMENEI.IR** متن و فیلم بیانات رهبر انقلاب در این جلسه‌ی درس خارج فقه را به شرح زیر منتشر می‌کند.

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله طاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

عَنْ أَبِي قَتَادَةَ، قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَيْسَ لِحَاقِنٍ رَأْيٌ، وَ لَا لِمَلُولٍ صَدِيقٌ، وَ لَا لِخَسَوِدٍ عَيْتِي، وَ لَا لَيْسَ بِحَازِمٍ مَنْ لَمْ يَنْظُرْ فِي الْعَوَاقِبِ، وَ النَّظْرُ فِي الْعَوَاقِبِ تَفْتَحُ الْقُلُوبَ. (۱)

لَيْسَ لِحَاقِنٍ رَأْيٌ

[امام صادق علیه السلام میفرماید: «حاقن» - یعنی کسی که محصور است به فشار ادرار و غیره - رأی ندارد، اصلاً. لذاست که در نماز هم مکروه است که انسان زیر فشار، مشغول نماز بشود، چون حواس انسان جمع نیست؛ این اول حدیث.

بعد میفرماید: وَ لَا لِمَلُولٍ صَدِيقٌ

آدم ملول، دوست و صديق پیدا نمی‌کند. «ملول» یعنی کم‌حوصله. آدم‌هایی که خسته‌اند، افسرده‌اند، کم‌حوصله‌اند، همراه و رفیق پیدا نمی‌کنند. درست است. اگر می‌خواهید کار جمعی بکنید، با جماعت حرکت کنید، مسابقه بدهید، پیش بیفتید، باید بانشاط باشید؛ اینکه ما مرتب می‌گوییم نشاط و در صحبتها و گفته‌ها مکرر بنده تکرار می‌کنم نشاط، بعضی‌ها خیال می‌کنند که نشاط یعنی رقاصی، که فلان برنامه‌ی موسیقی را یا فلان برنامه را فلان جا بگذاریم، در تئاتر بگذاریم، در تلویزیون بگذاریم تا مردم نشاط پیدا کنند! معنای نشاط این نیست؛ نشاط یعنی حوصله‌ی کار، نشاط کار، تحرک، که دل انسان آماده باشد برای حرکت کردن، کار کردن، فعالیت کردن؛ خسته و ملول و افسرده و مانند اینها نباشد؛ این معنای نشاط است. اگر این [جور] شد، آن وقت انسان، همکار هم پیدا می‌کند، دیگران هم می‌آیند دور شما جمع می‌شوند، کار را پیش می‌برید. بخصوص شما جوانها خیلی به این احتیاج دارید.

بعد فرمود: وَ لَا لِخَسَوِدٍ عَيْتِي

آدمی که حسود است، بی‌نیازی پیدا نمی‌کند؛ طبیعت آدم حسود این است؛ و چون نسبت به برخورداری‌های افراد حسادت می‌کند، یک اثر طبیعی‌ای خدای متعال در این [حسادت] قرار داده که انسان عقب می‌افتد.

وَ لَا لَيْسَ بِحَازِمٍ مَنْ لَمْ يَنْظُرْ فِي الْعَوَاقِبِ

«حازم» یعنی آدم خردمند، باهوش، کسی که کار را محکم‌کاری می‌کند؛ همه‌ی اینها در کلمه‌ی «حزم» وجود دارد؛ هم محکم‌کاری کردن - به آن بندی که چیزی را محکم می‌کند، چه زیر شکم شتر را، چه کفش را، می‌گویند «حزام» - و همچنین به معنای هوشمندی و عقل و خردمندی هم می‌آید؛ مجموعه‌ی اینها در کلمه‌ی حزم هست. می‌فرماید: آن کسی که عاقبت کار خودش را ملاحظه نکند، خردمند و محکم‌کار نیست. ببینید، اینها همه درس است برای ماها، بخصوص آن کسانی از شماها و ماها که یک مسئولیتی دارند، در یک نقطه‌ای تصمیمی می‌سازند یا تصمیمی می‌گیرند. خوب، یک کاری است که آدم خوشش می‌آید انجام بدهد و منفعتی هم دارد اما عاقبتش را در نظر نمی‌گیرد؛ وارد کار می‌شود بدون اینکه [عاقبتش را در نظر بگیرد]. فرض کنید که ظهر تابستان آدم وارد حیاط خانه می‌شود - حالا که حیاط کم است؛ آن وقتی که حیاط بود، ما این مثال را که می‌زدیم، همه می‌فهمیدند - حوض وسط حیاط پر از آب زلال، انسان هم بدنش داغ شده، عرق کرده، فوراً پیراهن را می‌کند و خودش را می‌اندازد داخل آب؛ کار بدی است؟ نه، اما این آب که شما خود را داخلش انداختی، موج برمی‌دارد، می‌خورد به یک لیوان بلور قیمتی که گذاشته‌اند روی پاشوره‌ی حوض، می‌افتد می‌شکند. اگر چنانچه شما از اول فکر این را کرده بودی، جور دیگر میرفتی داخل آب؛ فکر عاقبت را نکردی، فکر دنباله‌اش را نکردی، لذا خود را انداختی داخل آب و نتیجه این شد. آن کسی که فکر عاقبت کار را نکند، حازم نیست.

[مثلاً] وقتی که دارید مسابقه می‌دهید، بدانید طرف مقابل شما در مقابل این حرکتی که شما انجام می‌دهید، چه حرکتی انجام خواهد داد، فکر آن را بکنید، آن وقت برای آن حرکتی که او بعداً انجام خواهد داد، یک آمادگی‌ای پیدا کنید، بعد حرکتتان را شروع کنید؛ عاقبت کار را دیدن. همه‌ی اینها درس است! درسهای فردی هم نیست، درسهای مهمی است برای مسائل مهم کشور، برای اداره‌ی کشور، برای مدیریتهای کلان. البته به درد خانواده و به درد زندگی شخصی هم می‌خورد. این دستورات اخلاقی این جور است.

وَ النَّظْرُ فِي الْعَوَاقِبِ تَفْتَحُ الْقُلُوبَ

یعنی اگر ما در عواقب کارمان دقت کنیم، دل را باز می‌کند، منافذ فکری انسان را، منافذ روحی و معنوی انسان را باز می‌کند. اگر در عاقبت

کارهایمان دقت کنیم، گناه نمیکنیم، فسق نمیکنیم؛ اگر به عاقبت کارمان فکر کنیم، از لغزشهایی که معمولاً برای ماها پیش می‌آید، اجتناب میکنیم. هم در مسائل شخصی این جور است، هم در مسائل بزرگ این جور است، هم در مسائل کلان کشوری این جور است. اگر این جور شد، آن وقت دیگر با امید باید پیش برویم.

توصیه‌ی من به همه‌ی کسانی که مدیریتی دارند، مسئولیتی دارند، چه در قوه‌ی مجریه، چه در قوه‌ی قضائیه، چه در مدیریتهای گوناگون، این است که افسردگی و ملالت را و بی‌حوصلگی را از خودشان دور کنند، ناامیدی را از خودشان دور کنند، و بدانند که کار دارد پیش میرود، انقلاب حرکت میکند. دیدید به توفیق الهی در بیست و دوم بهمن چه حادثه‌ی عظیمی در این کشور اتفاق افتاد. انقلاب است دیگر؛ انقلاب دارد حرکت میکند، پیش میرود. چهل سال از نهضت عظیم این ملت و امام بزرگوار میگذرد و باید همه چیز از یادها رفته باشد، [اما] مردم جوری با این حادثه برخورد میکنند مثل اینکه همین دیروز اتفاق افتاده! جوری می‌آیند به خیابانها که -آن طوری که به من از جاهای مختلف گزارش دادند- در تهران، در این خیابانهای منتهی به میدان آزادی جمعیت نمیتوانست جلو برود؛ شهرهای دیگر هم همین جور. از همه‌ی سالهای گذشته جمعیت بیشتر آمدند؛ چرا؟ چون تهدید دشمن بیشتر بود، مردم احساس نشاط و احساس تکلیف کردند. کارها دارد پیش میرود. بنابراین بی‌حوصلگی و مانند اینها را همه، اعم از مدیران ارشد، مدیران متوسط، مدیران پائین کنار بگذارند؛ این یک.

دوم، عاقبت‌اندیشی؛ کاری که میخواهند انجام بدهند، ببینند عاقبتش چه میشود؛ این تصمیمی که شما میخواهی بگیری، این حرکت را تصویب کنی یا رد کنی، بین عاقبتش چه میشود، دنباله‌اش چیست، حرکت دشمن در قبال این چیست، شما چه کار میتوانی بکنی؛ فکر اینها را بکن، بعد آن وقت مخلصاً لله عمل کن.

(۱) امالی طوسی، مجلس یازدهم، ص ۳۰۱؛ «امام صادق علیه‌السلام میفرماید: انسانی که گرفتار فشار ادرار است، نظری ندارد و انسان کم‌حوصله دوستی ندارد و آدم حسود هم بی‌نیازی پیدا نمیکند. و کسی که عاقبت کارها را ملاحظه نمیکند، انسان خردمند و محکم‌کاری نیست و ملاحظه‌ی عاقبت کارها منافذ فکری و روحی انسانها را باز میکند.»